

آسیب شناسی اعتکاف

حجت الاسلام والمسلمین روح الله حبیبیان*

پیش گفتار

اعتکاف یکی از زیباترین رفتارهای عبادی است، که نقش تربیتی بسزائی در انسان داشته و زمینه رشد معنوی چشمگیری را برای مومن فراهم می‌کند؛ در آیات و روایات به اهمیت ویژه اعتکاف توجه شایانی شده است تا جائی که خداوند متعال یکی از مهمترین رسالت‌های حضرت ابراهیم و اسماعیل علیه السلام را فراهم آوردن فضای مناسب در مسجد الحرام برای اعتکاف کنندگان مطرح می‌فرماید:

«وَعَهْدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهْرًا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ؛ و به ابراهیم و اسماعیل فرمان دادیم که خانه را برای طواف کنندگان و معتکفین و نمازگزاران که رکوع و سجود می‌کنند پاک کنید»^۱

معصومین علیهم السلام نیز به شدت مقید به انجام این امر مهم بودند که این نشانگر جایگاه والای اعتکاف است؛ چنان که یکی از نکات مورد توافق فریقین - در زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام - تقید ایشان به اعتکاف ده روزه در سال است که در ماه رمضان هر سال انجام می‌شده و به دلیل اهمیتی که حضرت به انجام این آموزه مهم قایل بود، وقتی که در سال دوم هجری - به دلیل رخداد جنگ بدر - حضرت از انجام اعتکاف در آن سال بازماند، و در سال بعد بیست روز را معتکف بود تا ده روز سال قبل را جبران کند.^۲

۱. عوامل بروز آفات و آسیب‌ها

اعتکاف همانند هر عمل ارزشمند دینی، به دلایل مختلف در معرض آسیب‌های گوناگون قرار می‌گیرد، یعنی احتمال بروز برخی سوء برداشتها، اشتباهات و حتی تحریف‌ها و تغییرهای عمدی در آن بالا است؛ دلیل آن را می‌توان چنین محوربندی نمود:

۱-۱- تلاش شیطان

به صراحت آیات قرآن شیطان و اعوان او همواره تلاش می‌کنند که بنی آدم را از مسیر مستقیم منحرف نمایند و به همین جهت تلاش جدی در تحریف و تبدیل باورهای دینی و رفتارهای الهی دارند؛ قرآن از قول شیطان این گونه بیان می‌کند که وی - بعد از آنکه گمراهی خود را به خداوند نسبت می‌دهد - تاکید می‌کند که بندگان خدا را از راه مستقیم منحرف سازد: «قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي

* پژوهشگر حوزه علمیه.

۱. بقره، آیه ۱۲۵.

۲. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۸۴.

لَا تُقْعِدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ * ثُمَّ لَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ؛ شیطان گفت که چون تو مرا گمراه کردی من نیز بندگان را از راه راست گمراه می گردانم * آن گاه از جلو رو و از پشت سر و از طرف راست و چپ به آنان می تازم، و بیشترشان را سپاسگزار نخواهی یافت»^۱

به صراحت خود ابلیس یکی از مهمترین ابزارهای او در منحرف ساختن بندگان خدا، حق جلوه دادن باطل و باطل جلوه دادن حق می باشد؛ چنان که بعد از سرپیچی از فرمان الهی عرضه می دارد :

«وَلَا ضَلَّيْنَهُمْ وَلَا مَنِّينَهُمْ وَلَا مُرْنَهُمْ فَلْيَبْتِكُنْ أَذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مُرْنَهُمْ فَلْيَغْيِرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ؛ و گمراهشان می کنم و آرزومندشان می سازم و وادارشان می کنم، تا به عنوان تحریم گوشت حیوانات حلال گوشت گوش آنها را بشکافند و دستورشان می دهم تا خلقت خدا را دگرگون سازند»^۲

در این آیه شریفه به چهار رویکرد شیطان برای دشمنی با بنی آدم اشاره شده است، مورد اول اصل کلی منحرف ساختن انسان از مسیر حق است که از هر راه و شیوه استفاده می نماید: (لا ضلنهم)؛ دوم گرفتار ساختن انسان به آرزوها و تمایلات است که اساس غفلت از خدا و آخرت محسوب می شود و بستر شکل گیری انواع انحرافات و خطاها در فکر و عمل انسان به حسای می آید . اما در گام سوم و چهارم شیطان به دو دستور منحرف کننده اشاره می کند که عبارت است از ایجاد تحریف در باورهای دینی، در قالب خرافات و رفتارهای بی پایه و اساس، مانند حرام کردن حیوان حلال گوشت.

بر این اساس بروز خرافات و بدعت ها و سوء برداشت ها و انحرافات عملی در آنچه ریشه دینی دارد امری بسیار شایع و متداول خواهد بود و تقریباً همه آموزه ها و اعمال دینی در معرض این آسیب قرار دارند. و اعتکاف نیز از این امر مستثنا نیست.

۲-۱- جهل و نادانی

یکی دیگر از عوامل بروز آسیب های گوناگون در اعمال عبادی، مانند اعتکاف، جهل افراد جامعه است که در قالب کج فهمی و دوری از حقیقت این رفتارهای دینی بروز می نماید؛ بدیهی است که مهمترین راهکار مصون ماندن از این انحرافات، وجود آگاهی های لازم در زمینه معارف دینی است که این امر در سایه ارتباط کامل با اولیاء دین، حاصل می گردد؛ اما متأسفانه از آنجا که به دلایل گوناگون بعد از پیامبر اسلام ﷺ، مسیر رهبری امت اسلامی گرفتار انحراف و خطا شد، دست بخش عمده امت اسلام از این منبع کامل کوتاه شد و در نتیجه زمینه بروز و ظهور هرچه بیشتر کج فهمی ها و اشتباهات در شناخت حقیقت آموزه های دینی فراهم گشت. برای رهایی از جهل و ناآگاهی لازم است فرهنگ سازی ای لازم صورت گیرد تا مردم با معارف دینی - از جمله اعتکاف - بیشتر آشنا شوند.

۱. اعراف، آیه ۱۶-۱۷.

۲. نساء، آیه ۱۱۹.

۳-۱- دنیاطلبی و هواهای نفسانی

یکی دیگر از علل رسوخ برخی آسیب‌ها در حریم دستورات دینی، هواهای نفسانی و دنیاطلبی‌های برخی افراد است که بواسطه این تمایلات نفسانی، زمینه انحرافات و اشتباهات عموم افراد جامعه را فراهم آورده به مرور زمان یک عمل دینی را از حقیقت و یا شکل منحرف کرده و آن را از حقیقت خود دور ساختند.

البته این آسیب اختصاص به مسلمانان ندارد، بلکه در ادیان گذشته نیز این امور مشاهده می‌شود، چنانکه قرآن در توصیف برخی اهل کتاب می‌فرماید: «أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ؛ آیا طمع دارید که اینان بشما ایمان آورند با اینکه طائفه‌ای از ایشان کلام خدا را می‌شنیدند و سپس با علم بدان و با اینکه آن را می‌شناختند تحریفش می‌کردند».^۱ در جای دیگر نیز در توصیف همین گروه می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ؛ به درستی کسانی که کتمان می‌کنند آنچه را از بینات و هدایت که ما نازل کردیم بعد از آنکه آن را برای مردم در کتاب روشن ساختیم، اینگونه اشخاص را خدا لعنت می‌کند و همه لاعنان نیز لعنت می‌کنند».^۲

۴-۱. گونه‌های آسیب در اعتکاف

در یک نگاه جامع می‌توان آسیب‌های احتمالی در عرصه اعتکاف را به دو بخش عمده اندیشه‌ای و عملی تقسیم نمود؛ مراد از آسیب‌های اندیشه‌ای آسیب‌هایی هستند که در حوزه باورمندی و نوع نگاه افراد جامعه دینی به این عمل قابل تصور است؛ گاهی به دلایل گوناگون دیده می‌شود که نگاه افراد به یک آموزه دینی تغییر کرده و تلقی نادرستی از آن، در ذهن مومنان شکل می‌گیرد که در نهایت، این برداشت‌های نادرست به انجام ناصحیح آن و یا مهجوریت آن می‌انجامد.

دسته دوم، آسیب‌هایی هستند که - علی‌رغم تلقی صحیح از ماهیت آن عمل دینی، در هنگام انجام آن بروز می‌نماید و موجب ایجاد خلل و لطمات جدی در برآورده شدن اهداف و نتایج مورد نظر شارع مقدس از تشریع این دستور می‌گردند، ما تلاش می‌کنیم به برخی از مهمترین این آسیب‌ها در هر دو بخش بپردازیم:

۱- آسیب‌های معرفتی و اندیشه‌ای

دسته اول آسیب‌ها در خصوص اعتکاف به انحرافات اختصاص دارد که در زمینه نوع نگاه به این عبادت خاص و اهداف و مطالبات شارع مقدس در تشریع آن رخ می‌دهد که از قسم آسیب‌های شناختی و اندیشه‌ای است. به طور کلی در هر عمل

۱. بقره، آیه ۷۵.

۲. بقره، آیه ۱۵۹.

عبادی علاوه بر اهداف کلان و حکمت‌های ریشه‌ای از قبیل سنجش میزان تسلیم و عبودیت بنده، می‌توان حکمت‌ها و مصالح گوناگونی را نیز متصور دانست که چگونگی آن عمل عبادی، حاکی از این اهداف ویژه می‌باشد.

البته پاره‌ای از این حکمت‌ها در متون دینی بیان شده است.

عدم دسترسی به منابع متقن دینی و عالمان و مفسران حقیقی معارف دینی، همچنین عدم درک درست اصول و مبانی معارف دین و گرفتار شدن در دام مبناهای بی‌اساس، از علل و عواملی هستند که موجب سوء فهم و خطای در درک اهداف خاص شارع مقدس از تشریع یک دستور دینی می‌گردند و به همین جهت مشاهده می‌شود به مرور زمان نگاه مومنان در مورد حکمت‌ها و اهداف تشریع یک دستور دینی، از حقیقت خود کاملاً فاصله گرفته تبدیل به سوء برداشت و انحراف می‌گردد.

۱-۲ اعتکاف یا رهبانیت

یکی از مهمترین آسیب‌ها در این بخش به نوع نگاه و تلقی ما از ماهیت عمل اعتکاف بر می‌گردد: از آنجا که ماهیت عمل اعتکاف قرابت خاصی با برخی اعمال خاص دینی و ریاضت‌های عملی بعضی ادیان و فرقه‌ها دارد، برخی تصور می‌کنند که ماهیت عمل اعتکاف نیز نوعی رهبانیت است، این در حالی است که در متون دینی به صراحت از این تصور نهی شده و رویکرد اسلام درباره سبک زندگی دینی با این برداشت همخوانی ندارد و این نفی رهبانیت را می‌توان از چند دسته از آیات و روایات به دست آورد:

الف - نفی صریح از رهبانیت و رفتارهای انزوا طلبانه :

در مواردی نفی رهبانیت در روایات شیعه و سنی به صراحت اشاره شده است؛ به عنوان مثال انس بن مالک می‌گوید فرزند عثمان بن مظعون (صحابی پیامبر اسلام) از دنیا رفت. عثمان به شدت اندوهگین شد؛ به آن اندازه که گوشه‌ای از خانه‌اش را به محل عبادت تبدیل کرد تا همیشه در آنجا بماند. پیامبر ﷺ این خبر را شنید نزد عثمان آمد و فرمود: «يَا عُثْمَانُ بْنُ مَظْعُونٍ إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَكْتُبْ عَلَيْكَ الرَّهْبَانِيَّةَ إِنَّمَا رُهْبَانِيَّةُ أُمَّتِي الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» ای عثمان! خداوند تبارک و تعالی رهبانیت را بر ما مقرر نکرد؛ رهبانیت امت من جهاد در راه خداست...»^۱

تعبیر زیبای "رهبانیت امتی الجهاد فی سبیل الله" نوعی بیان ادبی است؛ شهید مطهری در این باره می‌نویسد: "مسأله «رُهْبَانِيَّةُ أُمَّتِي الْجِهَادُ» و امثال اینها ... تعریضی است به رهبانیت و عزلت، و از باب مشکله است (به اصطلاح علم بدیع) یعنی رهبانیت امت من ضد رهبانیت است." ^۲

۱. حر عاملی، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۰۱.

۲. مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۵۷۵.

در این روایت آن حضرت مصداق رهبانیت در اسلام را جهاد در راه خدا دانستند، یعنی در واقع منظور حضرت این است که راه نجات و رسیدن به قرب الهی در اسلام نه رهبانیت بلکه ضد آن یعنی جهاد در راه خداست. همچنین از پیامبر اعظم ﷺ نقل شده که خطاب به عبد الله بن مسعود فرمودند: «يَا ابْنَ أُمِّ عَبْدِ اللَّهِ تَدْرِي مَا رَهْبَانِيَّةُ أُمَّتِي قُلْتُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ الْهَجْرَةُ وَالْجِهَادُ وَالصَّلَاةُ وَالصَّوْمُ وَالْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ؛ ای پسر ام عبد (کنیه عبدالله بن مسعود) ! آیا می‌دانی رهبانیت امتی من چیست؟ ابن مسعود می‌گوید: عرضه داشتم: خدا و رسولش داناترند؛ حضرت فرمودند: رهبانیت امت من هجرت در راه خدا و جهاد و نماز و روزه و حج و عمره است»^۱.

از این تعبیر هم به خوبی روشن می‌شود که تعیین این مصادیق عبادی برای رهبانیت مورد نظر اسلام به نوعی نفی رهبانیت است، زیرا بسیاری از این اعمال عبادی جنبه کاملاً اجتماعی داشته و با سکون و رخوت و انزواگرایی جمع نیستند.

ب - نفی رفتارهای انزوا طلبانه

در دسته دیگری از روایات انزوا طلبی و جدائی از جامعه نفی شده و هرچند در این خصوص به صراحت از نفی رهبانیت سخن به میان نیامده، اما رفتارهای همخوان و همانند این رویکرد مورد نهی قرار گرفته است. از امیرالمومنین علیه السلام نقل شده که فرمود: «گروهی از صحابه مباشرت با زنان و غذا خوردن در روز و خواب در شب را بر خود حرام کردند، این خبر به پیامبر ﷺ رسید، حضرت به جمع اصحاب وارد شده فرمودند: آیا از زنانان دوری می‌کنید در حالی که من به نزد زنان می‌روم (با ایشان مباشرت دارم) و در روز غذا می‌خورم (همیشه روزه نمی‌گیرم) و در شب می‌خوابم (همه شب را به بیداری و عبادت مشغول نیستم) هر کس از سنت من دوری گزیند از من نیست»^۲.

ج - توصیه‌های روشن در مورد سبک زندگی

یکی از مهمترین آموزه‌هایی که مخالفت صریح دین را با رفتارهایی نظیر رهبانیت بیان می‌فرماید، دستورات صریح بزرگان دین در مورد سبک زندگی مومنان است که به شدت نسبت به دوری از جامعه نهی نموده است؛ در این زمینه روایات متعددی وجود دارد به علاوه این امر با سیره خود معصومان نیز همخوانی ندارد.

به عنوان مثال در پاره ای از روایات به تقسیم ساعات زندگی توسط فرد مومن اشاره شده و توصیه شده که ساعات شبانه روز یک انسان مومن باید به چند بخش تقسیم گردد. امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید: «لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ فَسَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ وَ سَاعَةٌ يَرْمُ مَعَاشَهُ وَ سَاعَةٌ يُحَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَذَّتِهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يَجْمَلُ وَ لَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ مَرَّةٍ لِمَعَاشٍ أَوْ خُطْوَةٍ

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، مؤسسة الوفاء بیروت - لبنان، ۱۴۰۴ ه ق، ج ۱۴، ص ۲۷۷.

۲. "إِنَّ جَمَاعَةً مِنَ الصَّحَابَةِ كَانُوا حَرَّمُوا عَلَى أَنْفُسِهِمُ النَّسَاءَ وَالْإِفْطَارَ بِالنَّهَارِ وَ التَّوَمَّ بِاللَّيْلِ فَأَخْبَرَتْ أُمُّ سَلَمَةَ رَسُولَ اللَّهِ ص فَخَرَجَ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ أ تَرْغُبُونَ عَنِ النَّسَاءِ إِنِّي آتِي النَّسَاءَ وَ أَكُلُ بِالنَّهَارِ وَ أَنَامُ بِاللَّيْلِ فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي" شيخ حر عاملی، وسائل الشیعه، نشر موسسه آل البيت، قم ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۲۱.

فِي مَعَادٍ أَوْ لَذَّةٍ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ؛ مؤمن باید شبانه روز خود را به سه قسم تقسیم کند، زمانی برای نیایش و عبادت پروردگار، و زمانی برای تأمین هزینه زندگی، و زمانی برای واداشتن نفس به لذت‌هایی که حلال و مایه زیبایی است. خردمند را نباید جز آن که در پی سه چیز حرکت کند: کسب حلال برای تأمین زندگی، یا گام نهادن در راه آخرت، یا به دست آوردن لذت‌های حلال^۱.

این دسته از روایات این حقیقت را متجلی می‌سازند که زندگی اجتماعی بهره‌مندی از نعمات و لذات مشروع یا معاشرت و ارتباط با دوستان و بستگان و تلاش برای کسب روزی حلال، باید یکی از بخش‌های ضروری در زندگی فرد مومن باشد و نباید این بخش را فدای سایر بخش‌ها مانند عبادت و خلوت با خدای متعال نمود.

در روایات به صراحت از کسانی که تلاش برای کسب روزی را رها کرده و تنها به عبادت و گوشه‌گیری اکتفا نموده‌اند مذمت شده است. کلینی نقل می‌نماید: «سلیمان بن معلی بن خنیس، از پدرش نقل کرده که: امام صادق (ع) از مردی جویا شد - و من نیز در آن مجلس بودم - در جوابش گفتند: نیازمند شده است. فرمود: "حالا چه می‌کند؟" گفتند: در خانه، پروردگار خویش را عبادت می‌کند. امام پرسید: "روزی خود را از کجا به دست می‌آورد؟" گفتند: از بعضی از برادرانش. فرمود: "به خدا سوگند آن کس که به او روزی می‌رساند عابدتر از او است"^۲.

یعنی تلاش برای کسب رزق حلال و تلاش‌های سازنده اجتماعی جزو لازم زندگی مومنانه بوده و از مصادیق عبادت محسوب می‌گردد.

دسته دیگر، روایاتی است که رفتار عملی پیامبر (ص) و ائمه (ع) در فعالیت‌های اجتماعی را به نمایش می‌گذارد، مثلاً امام صادق (ع) می‌فرماید: «لَأَنْ أَدْخُلَ السُّوقَ وَمَعِيَ دِرَاهِمُ أُتْبِعُ بِهِ لِعِيَالِي لَحْمًا وَقَدْ قَرِمُوا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْتِقَ نَسَمَةً؛ این که به بازار وارد شوم در حالی که به همراه خود درهمی داشته باشم و برای خانواده خود گوشتی تهیه کنم، در نزد من ارزشمندتر است از اینکه بنده ای را در راه خدا آزاد کنم»^۳.

در روایت دیگر نقل شده است: «علی بن الحسین (ع) اول صبح برای کار و زندگی از خانه بیرون می‌رفت. مردی پرسید: در این صبح اول وقت کجا می‌روی؟ ابو محمد گفت: می‌روم تا برای خانواده‌ام صدقه بگیرم. آن مرد گفت: واقعا می‌روی تا صدقه

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۹۰.

۲. "سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَنْ رَجُلٍ وَ أَنَا عِنْدَهُ فَقِيلَ لَهُ أَصَابَتْهُ الْحَاجَةُ قَالَ فَمَا يَصْنَعُ الْيَوْمَ قِيلَ فِي الْبَيْتِ يَعْبُدُ رَبَّهُ قَالَ فَمِنْ أَثْنِ قُوْتُهُ قِيلَ مَنْ عِنْدَ بَعْضِ إِخْوَانِهِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع وَاللَّهِ لَلَّذِي يَقُوْتُهُ أَشَدُّ عِبَادَةً مِنْهُ ؛ ثقة الاسلام کلینی، الکافی، دار الکتب الإسلامیة تهران، ۱۳۶۵ش، ج ۵، ص ۷۸.

۳. کافی، ج ۴، ص ۱۲.

بگیرید؟ ابو محمد گفت: هر کس به جستجو برخیزد و روزی حلالی تحصیل کند، چنان است که از خداوند - عزّ و جلّ - صدقه دریافت کرده باشد. ^۱ »

حقیقت اعتکاف چیست ؟

با توجه به دلایل گوناگون - مبنی بر تفاوت اعتکاف و رهبانیت -، این سوال وجود دارد که ماهیت اعتکاف چیست ؟ و به چه دلیل ما اعتکاف را در حیطه رهبانیت نمی دانیم ؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت که تامل در کمّ و کیف احکام و قوانین اعتکاف به خوبی تفاوت این عمل را با رهبانیت نشان می دهد، اولاً از روح دستورات و احکام اعتکاف به دست می آید که این عمل یک رفتار خاص و ویژه و خارج از مبانی و ضوابط عادی زندگی است.

به عبارت روشن تر ماهیت اعتکاف با سه روز توقف در مسجد محقق می گردد و چنان که پیشتر نقل شد سنت پیامبر اعظم ﷺ نیز اعتکاف ده روزه بود. ^۲ این امر نشان می دهد که اعتکاف حتی در نزد بالاترین شخصیت های دینی اسلام عملی بسیار محدود و خاص بوده و تبدیل به شیوه زندگی و عرف رفتار مومنانه نمی شده است .

ثانیاً اعتکاف باید در مسجد جامع انجام شود یعنی شلوغ ترین و عمومی ترین مکان در شهر که از پیرایه های مادی و دنیوی تهی بوده و در عین حال محل اصلی ارتباطات، تصمیم گیری ها جدی مومنین محسوب می گردد. تنها تامل در همین نکته دقیق کافی است که راز تفاوت ماهوی اعتکاف را با رهبانیت مورد نظر پیروان ادیانی مانند مسیحیت را دریابیم.

ثالثاً فرد معتکف به هر دلیلی - هر چند شخصی و غیر ضروری - تا دو روز اول از هر سه روز اعتکاف می تواند، اعتکاف خود را متوقف کرده و از محل اعتکاف خارج گردد؛ علاوه بر این حتی در حال اعتکاف و بدون قصد شکستن اعتکاف نیز می تواند برای امور ضروری، مسجد را ترک و سپس به مسجد بازگردد و عمل خود را ادامه دهد . همچنین در روایات آمده که فرد معتکف می تواند برای اموری نظیر نماز جمعه محل اعتکاف را ترک نماید؛ امام صادق (ع) می فرماید: «لَيْسَ عَلَى الْمُعْتَكِفِ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ إِلَّا إِلَى الْجُمُعَةِ أَوْ جَنَازَةٍ أَوْ غَائِطٍ؛ بِرِ مَعْتَكِفٍ سِوَاوَارِ نَيْسَتِ كَهْ مِنْ مَسْجِدٍ خَارِجٍ شَوْدِ مَكْرٍ بَرَاءِ نَمَازِ جَمْعِهِ يَاحْضُورِ دَرِ تَشْيِيعِ جَنَازِهِ وَ يَاقَضَاءِ حَاجَتِ » ^۳ همچنین در روایت از امام صادق (ع) آمده که:

۱. "كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع) إِذَا أَصْبَحَ خَرَجَ غَدِيّاً فِي طَلَبِ الرِّزْقِ فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَيْنَ تَذْهَبُ فَقَالَ أَتَصَدَّقُ لِعِيَالِي قِيلَ لَهُ أَتَتَصَدَّقُ قَالَ مَنْ طَلَبَ الْحَلَالَ فَهُوَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ صَدَقَةً عَلَيْهِ "؛ همان

۲. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۴.

۳. اصول کافی، ج ۴، ص ۱۷۸.

«لَا يَنْبَغِي لِلْمُعْتَكِفِ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ إِلَّا لِحَاجَةٍ لَا بُدَّ مِنْهَا ثُمَّ لَا يَجْلِسُ حَتَّى يَرْجِعَ وَلَا يَخْرُجُ فِي شَيْءٍ إِلَّا لِحَاجَةٍ أَوْ يُعَوِّدُ مَرِيضًا وَلَا يَجْلِسُ حَتَّى يَرْجِعَ»؛ سزاوار نیست که معتکف از مسجد خارج شود مگر بخاطر حاجتی ضروری که چاره از انجام آن نیست سپس در بیرون از مسجد نمی نشیند تا به مسجد برگردد (از حد ضرورت در خروج از مسجد تجاوز نکند) و معتکف از مسجد خارج نمی شود مگر برای تشییع جنازه یا عیادت مریض و بیرون از مسجد نمی نشیند تا به مسجد برگردد»^۱.

در این قبیل روایات هرچند به رعایت حرمت اعتکاف و عدم خروج مگر برای ضرورت تاکید شده، اما موارد مستحبی نظیر عیادت مریض و تشییع جنازه از مواردی شمرده شده که معتکف می تواند به خاطر آن ها از مسجد خارج گردد. این به روشنی نشان می دهد ماهیت اعتکاف دوری مطلق از امور اجتماعی نیست

در عین حال حقیقت عمل اعتکاف مانند همه اعمال دینی و دستورات عبادی چیزی جز تنبه و تذکر انسان نسبت به حقایق عالم و دوری از غفلت نیست.

۲-۱-۲ آسیب های روشن فکرانه

دسته دوم از آسیب هایی که از سنخ آسیب های اندیشه ای - یعنی نوع نگرش افراد جامعه به اعمالی نظیر اعتکاف -، آسیب هایی هستند که متأثر از وضعیت دنیای کنونی و نوع نگاه به جامعه است. امروزه بواسطه پیشرفت های تکنولوژیک و رشد امکانات مادی و سبک زندگی مدرن، برای برخی این تلقی نادرست بوجود آمده که در نوع رفتارهای دینی نیز باید مورد بازنگری قرار بگیرد، به عنوان مثال تلقی برخی این است که اعمالی نظیر اعتکاف در زمان گذشته که زندگی ها ساده و دوراز مشغله بوده و یا نیاز چندان به حضور مداوم در اجتماع نبود، عملی منطقی و معقول به حساب می آمد، اما در جامعه معاصر که نیازمند حضور فرد در ساعات معین در محیط های گوناگون کاری و اجتماعی و ... ضروری است، دیگر مجالی برای اعمالی چون اعتکاف نیست در مقام نقد و تأمل این تلقی باید گفت: اولاً وقتی شریعت اسلام به عنوان اصلی ترین دستورالعمل سعادت بشر و توسط آخرین پیامبر به همه افراد معرفی شده است، از حکمت الهی دور است که این دستورات و آموزه ها تنها برای رفع نیازمندی انسان های خاص و یا نسل های گذشته بوده و در زمان حاضر بازدهی و کارائی مطلوب را نداشته باشد.

طبق روایات متعدد^۲، شریعت تا قیامت به عنوان تنها درسنامه و شیوه زندگی سعادت مندانه برای بشر تدوین شده و می تواند زمینه سعادت همه نسل های بشر تا قیامت را فراهم نماید، لذا نباید تصور نمود که این آموزه ها امروزه کارایی ندارند، در نتیجه اعتکاف با همه قیود و شروط آن در همه زمان ها کاربرد دارد.

۱. همان.

۲. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۵۸؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۴۵.

ثانیا اگر در حقیقت اعتکاف توجه کنیم در می‌یابیم که اعتکاف نه تنها در زمان کنونی از رسالت اصلی خود فاصله نگرفته، بلکه در روزگار کنونی می‌تواند به داد انسان معاصر رسیده و او را از غرق شدن در این دریای عمیق مادی و غفلت و سرگشتگی برهاند و به اصطلاح آسمان را به یاد این انسان چسبیده به زمین بیندازد.

۲-۲ آسیب‌های عملی

بخش دوم آسیب‌های مرتبط با اعتکاف، اختصاص به مرحله اجرا و عمل به این دستور عبادی دارد که اتفاقا در سال‌های اخیر به دلیل رونق یافتن سنت حسنه اعتکاف در سراسر کشور، آسیب‌های مربوط به شیوه اجرای این آموزه دینی بیشتر خودنمایی کرده است.

البته این قبیل آسیب‌ها به انواع گوناگونی تقسیم می‌شود، اما در یک تقسیم بندی کلی دو بخش عمده برای این آسیب‌ها قابل ذکر است؛ دسته اول آسیب‌هایی هستند که مختص به اعتکاف نبوده و به نوعی در همه اعمال عبادی وجود دارند. دسته دوم آسیب‌هایی هستند که - تقریباً - مختص همین عمل عبادی خاص هستند. ما این دو بخش را با دو عنوان مستقل مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۲-۲-۱ - آسیب‌های عمومی

الف - عادت زدگی

اولین آسیبی که ممکن است همه عبادات - از جمله اعتکاف را - تهدید کند، عادت زدگی است، تا جایی که فرد از روی عادت به انجام مستمر آن عمل مبادرت می‌ورزد، مثلاً فرد معتکف هر ساله در وقتی خاص بنا بر عادت همیشگی به انجام این عمل دینی می‌پردازد و به مرور زمان به تکرار تجربه سال‌های قبل و استمرار چند ساله انگیزه اصل انجام این عمل خواهد بود. مشکل عمده این آسیب آن است که بهره معنوی و روحی فرد از این اعمال دینی را به شدت کاهش می‌دهد، زیرا در این صورت روح و حقیقت آن مورد غفلت قرار گرفته، شکل و قالب عمل جایگزین این حقیقت می‌گردد، و مثلاً به جای آنکه اعتکاف برای معتکف تذکری ترک دنیا و دوری از غفلت‌ها باشد، به عملی عادی و تجدید کننده خاطرات گذشته تبدیل می‌گردد.

عادت و عادت زدگی سبب گردیده است که بزرگان دین درباره آن هشدار داده‌اند، چنانکه امام صادق (ع) می‌فرماید: «لَا تَنْظُرُوا إِلَى طَوْلِ رُكُوعِ الرَّجُلِ وَ سُجُودِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ شَيْءٌ اِغْتَاةٌ فَلَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ لِذَلِكَ...»؛ به طول رکوع و سجود فرد نگاه نکنید که آن، چیزی است که او بدان عادت کرده و اگر بخواهد آن را ترک کند وحشت می‌کند...»^۱

در این روایت به روشنی تاثیر عادت بر یک عمل - هرچند عمل عبادی باشد - در فاصله گیری از روح و حقیقت آن تاکید شده است. البته نباید صرف عادت یک فرد مومن بر یک عمل عبادی را دلیل بی ارزشی عمل دانست، بلکه چه بسا ممکن است تکرار

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۰۵.

عمل و عادت کردن بر انجام آن، موجب جدیت و تداوم بندگی و عمل به دستورات دینی گردد که این مداومت مورد تشویق و تقدیر ائمه بوده است.^۱

شهید مطهری در این زمینه می‌نویسد: "عمل باید از روی توجه باشد نه از روی عادت، آنچنان عادت که انسان بدون اینکه خودش توجه داشته باشد کأنه بدنش دارد عمل را انجام می‌دهد، مثل خیلی کارهایی که انسان بدون توجه انجام می‌دهد مانند راه رفتن. انسان وقتی دارد راه می‌رود توجه ندارد که دارد راه می‌رود، از روی بی‌توجهی است... علمای روان‌شناسی می‌گویند: یک کار همین قدر که برای انسان عادت شد، دو خاصیت متضاد در آن به وجود می‌آید. هرچه که بر عادت بودنش افزوده شود و تمرین انسان زیاده‌تر گردد، کار سهلتر و ساده‌تر انجام می‌شود. یک ماشین نویس که به ماشین نویسی عادت می‌کند، هرچه بیشتر عادت می‌کند، کار سریعتر و سهلتر برایش صورت می‌گیرد. ولی هرچه بیشتر عادت می‌کند، از توجهش کاسته می‌شود، یعنی از اینکه این عمل او یک عمل ارادی و از روی توجه باشد کاسته می‌شود و به یک عمل غیرارادی نزدیکتر می‌گردد. خاصیت عادت این است."^۲

ب- دوری از اخلاص

یکی از مهمترین آسیب‌هایی که همه امور ارزشی و از جمله عبادات را تهدید می‌کند، ریا و خودنمائی است، ورهائی از آن بسیار دشوار است، البته عالمان اخلاق در این باره به طور مبسوط سخن گفته و راهکارهای گوناگون ارائه نموده اند.^۳

نکته مورد توجه این است که آسیب ریا در برخی اعمال، خطرناک تر و جدی تر است؛ به عنوان مثال پاره ای از اعمال که فرد در خلوت و تنهایی انجام می‌دهد - معمولاً - در ابتدا، گرفتار این آسیب نیست هرچند در ادامه ممکن است به نوعی عمل را گرفتار نماید، اما برخی عبادات از ابتدا به شدت نسبت به این خطر آسیب پذیر هستند و انسان باید همواره آماده مقابله با آن باشد که به طور خاص اعمال جمعی از این قبیل اند. در این میان به دلیل کثرت انجام برخی اعمال دینی و الزاماتی که در انجام آنها وجود دارد، بستر شکل‌گیری ریاکاری در مورد آنها کم‌رنگ می‌شود؛ مثلاً نماز جماعت بخاطر وجوب اصل نماز و فراگیر بودن انجام آن در تمام ایام سال، چندان در معرض خطر خودنمائی نیست، اما در اعمال مستحب که به صورت جمعی انجام می‌گیرند این خطر به شدت خودنمائی می‌کند.

سنت اعتکاف از همین قسم اخیر است که خطر ریا به شدت آن را تهدید می‌کند

۱. غرر الحکم، ح ۱۱۰۸۰.

۲. شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۲، ص ۶۴۳-۶۴۴.

۳. ملا مهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۲، ص ۴۰۷.

ج - بی توجهی به جنبه‌های شرعی

یکی از آسیب‌های عمومی که اکثر دستورات دینی را تهدید می‌کند، عدم درک دقیق و درست جایگاه جنبه‌های شرعی عمل، با جنبه‌های اخلاقی و عرفانی آن است؛ هرچند تقسیم بندی یک عمل عبادی به دو بعد ظاهری و باطنی و منحصر دانستن دستورات شرعی به بخش اول و آموزه‌های عرفانی و اخلاقی به بخش دوم امری صحیح و دقیق نیست، اما به طور کلی می‌توان دستورات شرعی را بیشتر ناظر به قالب و شکل صحیح انجام عمل دانست که روح و نتیجه و ثمرات معنوی عمل از متن این ظواهر و البته با توجه به جنبه‌های خاص فکری و هدف گیری‌های مشخص معنوی از آن حاصل می‌گردد.

در یک نگاه درست می‌توان گفت هر عمل و دستور دینی متشکل از ابعاد گوناگونی برای تربیت انسان است و جنبه‌های فقهی که شکل و قالب عمل را تشکیل می‌دهند در کنار روح و محتوا و هدف گذاری معینی که برای آن در نظر گرفته شده، در مجموع نقش تعیین کننده برای رساندن انسان به نتیجه مورد نظر را ایفا می‌کنند و در نتیجه نباید در این مسیر هر یک از این ابعاد را به طور مستقل و جدای از مجموعه فرض کرد.

به همین دلیل باید از توجه بیش از حد به یک طرف و رها کردن سایر اطراف به شدت پرهیز نمود و مثلاً در عباداتی مانند حج و اعتکاف و مانند آن که جنبه اخلاقی و تربیتی آن‌ها محسوس تر و تاثیرات روحی در آن‌ها مشهود تر است، به دلیل توجه بیش از حد به روح و هدف‌های تعیین شده از ماهیت عمل، غافل از شکل و قالب و دستورات مشخص فقهی در انجام عمل نشد و یا بالعکس توجه بیش از اندازه و حساسیت‌های بی مورد در مورد جوانب فقهی نباید انسان را از روح و ماهیت عمل جدا کرده امکان بهره برداری کامل و همه جانبه روحی و تربیتی از حقیقت عمل را از او سلب سازد.

متأسفانه گاهی دیده می‌شود، افرادی که به اعتکاف روی آورده و تلاش می‌کنند از این سنت دینی برای زدودن غبار دنیازدگی‌ها و غفلت‌ها از دل بهره ببرند، از توجه به ابعاد فقهی و جزئیات مسائل شرعی اعتکاف غافل شده و حتی این امور را تا حدی تشریفاتی و غیر مهم می‌دانند در حالی که این تفکر از اساس نادرست بوده و بی توجهی به همین موارد می‌تواند منجر به انجام گناه در ضمن انجام یک عمل مستحب می‌گردد و بدیهی است که نورانیت و معنویت در ضمن انجام گناه محقق نمی‌شود و همین ظلمت گناه می‌تواند همه اثرات معنوی و نورانیت‌های اصل عمل مستحب را زائل نماید.

در نتیجه برای رهایی از این آسیب اولاً رسیدن به شناختی صحیح و کامل در مورد جایگاه دین و دستورات شرعی و اهمیت و ضرورتی که این بخش در منظومه فکری و عملی دین دارد نقش بسزائی خواهد داشت و ثانیاً تأمل و توجه به سلوک و نحوه زندگی و رفتارهای دینی بزرگان دین از حضرات معصومین گرفته تا عالمان ربانی که نزدیکترین افراد به سیره و رفتار ائمه و آشناترین کارشناسان با ماهیت عملکرد دینی محسوب می‌شوند، می‌تواند بسیار موثر بوده و زمینه قرار گرفتن ما در مسیر صحیح رفتار مومنانه و منطبق با آموزه‌های ناب اسلامی را فراهم آورد.

۲-۲-۲ - آسیب‌های خاص اعتکاف

در مورد آسیب‌های خاص سنت اعتکاف باید گفت: هرچند به نظر می‌رسد این بخش از آسیب‌ها نیز به شرایط زمان و مکان می‌تواند دسته‌های گوناگونی را به خود اختصاص دهد، اما آنچه در این مجال مد نظر و توجه بیشتر است بررسی آسیب‌های خاص این سنت در عصر حاضر و مبتنی بر رویکرد فعلی جامعه اسلامی در انجام این عبادت اجتماعی است؛ در نتیجه در این بخش تلاش می‌کنیم به آسیب‌های خاص این سنت حسنه - با توجه به فضای کنونی جامعه خودمان و با توجه به رویکرد فعلی معتکفین در غالب مراکز اعتکاف در سرتاسر کشور بپردازیم .

الف - تلقی نادرست از خود عمل

اولین آسیبی که در مورد اعتکاف - به طور خاص دیده - می‌شود، عدم درک درست ماهیت و هدف تشریع این عمل عبادی از جانب شارع است که ریشه این مساله ناآشنائی افراد با حقیقت اعتکاف است، البته چنان که گفتیم این آسیب می‌تواند در سایر اعمال دینی هم به نوعی وجود داشته باشد، اما به دلیل ناآشنائی جامعه ما با اعتکاف و مهجور بودن این عمل، تلقی عمومی مردم از این عمل دینی، نادرست و تا حدودی متاثر از شکل عملی اجرا شده از آن در سالیان اخیر است .

به عبارت روشن تر اگر از افراد جامعه ما پرسیده شود اعتکاف چیست ؟ خواهند گفت عملی است که به مدت سه روز در ماه رجب انجام می‌شود و باید در نیمه این ماه سه روز در مسجد ماند و روزه گرفت و در آخر هم با خواندن دعای ام داود این سه روز را به پایان رساند .

بدیهی است که عمل اعتکاف ارتباطی با نیمه ماه رجب و عمل ام داود ندارد، بلکه این تقارن زمانی و آمیختگی عمل اعتکاف با عمل مستحبی ام داود، از مزایای اعتکاف در این ایام خاص بوده و گردانندگان این سنت حسنه ایام البیض را بهترین وقت برای انجام اعتکاف دانسته و عمل ام داود را که در همین سه روز وارد شده و نیازمند سه روز روزه داری بوده را به نیکویی با عمل اعتکاف گره زده اند؛ که انتخاب بسیار خوبی است؛ اما نباید تصور کرد که اعتکاف یعنی حضور در مسجد تنها در همین سه روز و با این عبادات و ادعیه خاص است. نتیجه این تلقی نادرست این است که اگر احیاناً فردی در این ایام معین امکان حضور در جمع معتکفین را نداشت، گمان می‌کند که دیگر امکان انجام این سنت حسنه را ندارد و باید تا سال آینده منتظر رسیدن نیمه ماه رجب بماند؛ و یا اگر کسی در روز اول ایام البیض موفق به حضور در مسجد نشود گمان نمی‌کند که می‌تواند در روز دوم و سوم ایام البیض نیت اعتکاف کرده و روز شانزدهم ماه را نیز به اعتکاف خود ادامه دهد .

حتی دیده می‌شود برخی به دلیل مشکلات خاصی روحی و معضلات فردی و اجتماعی، به شدت نیازمند حضور در فضای آرام و تمرکز بر عبادت خداوند هستند، تصور نمی‌کنند که برای رفع این نیاز گزینه اعتکاف هم وجود دارد که می‌توانند سه روز یا بیشتر را در مسجد جامعی بیتوته کنند و به جای مصرف قرص‌های آرام بخش و مشغول شدن به رفتارهای روان تنی مانند

مدیتیشن و یوگا و غیره - و حتی گرفتار شدن در دام گروه‌های مدعی عرفان و معنویت، شرایط ایده آل روحی و جسمی خود را در انجام یک دستور روشن و معین دینی و به دور از افراط و تفریط به دست آورند .

ب - رویکردهای غیر عبادی

یکی دیگر از آسیب‌های خاص در مورد اعتکاف آمیخته شدن این عمل با رویکردهای غیرعبادی است: در واقع مشکل عمده در مورد اعمالی نظیر اعتکاف که مقطع کوتاهی است، با اقبال عمومی مواجه شده اند و انجام آن به شکل گسترده - تا حدودی جدید و نو محسوب می‌شود -، این است که به دلیل محل توجه قرار گرفتن این برنامه‌ها توسط قشرهای گوناگون جامعه، بخصوص جوانان و نوجوانان؛ جنبه‌های فرهنگی و سیاسی و اجتماعی که چه بسا رابطه مستقیم با امور عبادی نداشته باشند وارد در آن می‌شوند و جایگاهی پررنگ تر و جدی تر از اصل جلوه‌ها و جنبه‌های عبادی به خود می‌گیرند .

به عنوان مثال دیده می‌شود بخش عمده وقت مفید معتکفان در طول این سه روز به شنیدن سخنرانی مسئولین و شخصیت‌های سیاسی می‌گذرد و سخنرانان از فرصت استفاده کرده برخی از معضلات و مشکلات فرهنگی و اجتماعی را مطرح می‌کنند، غافل از آنکه آنچه در این محیط خاص و در این مدت محدود باید اثر اصلی و مهم را بر مخاطبان بگذارد، همانا خلوت با خدا و دوری از هیاهوی دنیا و رهایی از جنجال‌ها و بگو مگوهای سیاسی و اجتماعی است، که اگر این مهم حاصل شود، شناخت مسایل سیاسی و اجتماعی برای معتکفان آسان خواهد بود .

مصادق دیگر این معضل، شکل‌گیری همین موضوعات و مباحث در بین خود معتکفان و طرح مشکلات و معضلات شخصی معتکفان باهم دیگر است، غافل از آنکه این مساله جدای از ورود در مشکل فقهی "جدال" و "مراء" که از آن نهی شده است^۱، می‌تواند باعث غفلت از فلسفه اعتکاف و جدایی از جنبه‌های عبادی و معنوی و توجه به روح عبودیت در فضای اعتکاف گردد که این امر از بزرگترین آسیب‌های این فضای معنوی محسوب می‌گردد .

در مجموع توصیه می‌شود متولیان و برگزار کنندگان مراسم معنوی اعتکاف، متوجه این آسیب باشند که خدای نکرده فضای عمومی این مراسم به سمت امور حاشیه ای کشیده نشود .

ج - ادامه روال عادی زندگی

یکی دیگر از آسیب‌های خاص عمل اعتکاف آن است که فرد در طول مدت حضور در جمع معتکفین کماکان به زندگی عادی خود ادامه داده و هیچ تغییری در روند زندگی عادی خود پدید نیاورد؛ یعنی بعضی افراد به گونه ای در اعتکاف حاضر و به اموری می‌پردازند که گویا محیط کار خود را تعویض نموده اند والا در طول این سه روز تمام فعالیت‌های عادی روزانه خود را با اندکی تغییر انجام می‌دهند و بر این اساس محیط اعتکاف برای این افراد چیزی جز تنوع بخشی کار و زندگی عادی نیست . چنان که پیشتر گفته شد یکی از اهداف و حکمت‌های سنت حسنه اعتکاف آن است که انسان تغییری در روال عادی زندگی

۱. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام)، ج ۱، ص ۵۶۸.

دنیایی خود ایجاد کرده و غبار غفلت‌ها و نیازدگی‌ها را از روح و جان خود بزداید، اما اگر بنا باشد فرد همه تعاملات اجتماعی و کاری و اقتصادی و ... خود را در طول مدت اعتکاف همچون دیگر اوقات انجام دهد، عملاً نه فرصت کافی برای تمرکز بر عبادت و انجام مستحبات پیدا می‌کند و نه شرائط خلوت و انس با خدا برایش فراهم می‌شود، در نتیجه بهره کامل از این فرصت نمی‌برد.

البته نباید از یاد برد که اشتغال محدود به برخی کارها- در ایام اعتکاف- منعی ندارد، اما همین مسائل نیز باید به خوبی مدیریت شود و در انجام آن به ضرورت‌ها اکتفا گردد، به عنوان مثال مطالعه درسی و اختصاص دادن بخشی از وقت شبانه روز به انجام تکالیف تحصیلی، از جانب دانش آموزان و دانش جویان منعی ندارد و چه بسا اگر جهت گیری‌ها در این امر با توجه به فضای اعتکاف به سمت نیت‌های الهی هم معطوف گردد، مطلوب هم می‌باشد، اما در عین حال باید توجه داشت که تمرکز در این امور نباید به عنوان کار اصلی قرار بگیرد و امور مشخص، مانند تلاوت قرآن و انجام نمازهای مستحب و خلوت با خدا و تفکر در امور الهی به حاشیه کشانده شود.

به علاوه افرادی که درگیر اشتغالات گوناگون هستند، مانند مسئولین مملکتی بیش از هر فرد دیگری نیازمند بهره گیری از بستر اعتکاف برای حفظ انگیزه و نیروی جسمی و روحی خود جهت ادامه خدمت هستند، لذا بهترین گزینه برای این بزرگواران آن است که با برنامه ریزی‌های قبلی و سپردن بخشی ازوظایف به دیگران، توفیق حضور در فضای معنوی اعتکاف را از دست ندهند، زیرا که این فرصت‌ها کمتر به وجود می‌آید.

د- آسیب‌های رسانه ای

یکی از جدی ترین آسیب‌هایی -که بخصوص در این سال‌های اخیر- اعتکاف و معتکفین را تهدید می‌کند، آفاتی است که از جانب ابزارهای گوناگون رسانه ای متوجه افراد معتکف و محیط اعتکاف است؛ در گذشته، حضور فرد در فضای مسجد به نیت اعتکاف یعنی دل بردن از خانه و محیط کار و دل کندن از تعلقات برای فرد معتکف ایجاد می‌شد و او را آماده یک تجربه نورانی و سفری معنوی می‌کرد، حتی در همین چند سال پیش که ابزارهایی نظیر موبایل و تبلت و امکانات اتصال به شبکه اینترنت تا این حد شیوع نداشت، همچنان قرار گرفتن در محیط اعتکاف مساوی بود با رها کردن ارتباطات و اشتغالات گوناگون و حتی جدا شدن از تفریحات معمول و متداول مانند تماشای تلویزیون و وقت گذاشتن برای مطالعه رسانه‌های گوناگون و یا بازی‌های رایانه ای و

اما امروزه به مدد این رسانه‌های نوین، فرد معتکف می‌تواند با افراد ارتباط صوتی و حتی تصویری برقرار کرده و از طریق نرم افزارهای گوناگون، مانند تلفن همراه دیتاهای متنی و یا صوتی و تصویری را دریافت نماید و با طیف گسترده مخاطبان در شبکه‌های اجتماعی ارتباط خود را ادامه دهد؛ همچنین از طریق ابزارهای ساده و فراگیر اتصال به اینترنت، امکان دریافت تمام برنامه‌های تلویزیونی و یا ارتباط با سایت‌های گوناگون را -در طول ایام اعتکاف برای خود- فراهم آورد. بدیهی است که این

امور هرچند ممکن است در حوزه رفتارهای نامشروع قرار نگیرند، اما در ایام اعتکاف، توجه به این امور از آسیب‌های جدی بهره برداری معنوی و رسیدن به اهداف مطلوب شارع مقدس محسوب می‌گردد.

از طرف دیگر بر کسی پوشیده نیست که مساله ابزارهایی نظیر تلفن همراه و رایانه و تبلت و ... امروزه یکی از مهمترین ابزارهای ظهور و بروز تجمل گرایی و اسراف و تبذیر هم شده اند و خرید و فروش و تعویض این وسائل در بسیاری از موارد نه به جهت نیاز و ضرورت که به هدف چشم و هم چشمی و جا نماندن از جو روانی و جایگاه اجتماعی خرید بهترین و جدیدترین ابزارها در این عرصه است و در نهایت چیزی جز حس دنیا دوستی و تعلق به مادیات را برای انسان به دنبال نخواهد داشت و بدیهی است که این امر همواره مطرود است و به طور خاص در مکانی دینی مانند مسجد و در فضایی روحانی و معنوی مانند فضای اعتکاف دارای مذمت بیشتری است.

اما نکته تاسف برانگیزتر این است که مشاهده می‌شود این قبیل ابزارها زمینه آلوده شدن افراد به امور خلاف شرع و گناه آلود را نیز فراهم می‌آورند و در بستر نورانی اعتکاف، فرد معتکف یا مرتبطین با وی را مبتلا به برخی گناهان مانند شنیدن موسیقی‌های نامشروع و یا مشاهده تصاویر و فیلم‌ها و کلیپ‌های نامناسب می‌نماید که این آسیب‌ها به دلیل فراگیری امکانات رسانه ای مانند موبایل بسیار زمینه نفوذ و تخریب در حالات روحی و معنوی جمع کثیری از معتکفان را دارد.

در واقع فرد معتکف باید با توجه به حالات و روحیات خود پیش از آغاز اعتکاف به این جمع بندی برسد که وجود این ابزارهای همراه علی رغم همه فوائد و خدماتی که می‌تواند به دنبال داشته باشد تا چه حد می‌تواند بستر دور شدن از اهداف و اغراض اعتکاف را فراهم نماید و اگر در نهایت خطر مفاسد آن بیشتر از ضرورت مصالح و فوائد تشخیص داده شد، همان بهتر که معتکف در این ایام محدود خود را از قید و بند این تعلقات و تجملات برهاند و سبک بار تر و آسوده تر در این فضای نورانی حاضر گردد.

تقریباً می‌توان یقین داشت که اکثریت افراد اگر سه روز تلفن همراه را در کنار خود نداشته باشند و یا هیچ برنامه تلویزیونی را ندیده و یا به نامه‌های الکترونیکی خود را چک نکنند و همچنین به هیچ سایت خبری و تحلیلی سری نزنند هیچ اتفاق ناگواری برایشان پیش نمی‌آید، پس چه بهتر که انسان در این ایام کوتاه توفیق حضور در اعتکاف، خود را از این دلمشغولی‌ها برهاند و یا بدون تلفن همراه و رایانه در اعتکاف حاضر شود و یا لااقل تلفن خود را تنها در یک ساعت از شبانه روز روشن کرده و به خانواده خود هم اطلاع دهد تا برای کارهای ضروری تنها در همین وقت کوتاه تماس برقرار نمایند.

ه - سبک زندگی غیر اسلامی

یکی از آسیب‌هایی که همواره تهدیدی برای جوامع دینی و به طور خاص جامعه اسلامی محسوب شده و در سال‌های اخیر به شکلی جدی تر و به شکل یک هجمه خصمانه از طرف دشمنان اسلام به جامعه ما وارد شده، مساله گرایش به سبک زندگی غربی و دوری از سبک زندگی مومنانه ایرانی و اسلامی است.

این خطر بزرگ فرهنگی و اجتماعی از جدی ترین دغدغه‌هایی است که باید از جانب متولیان امور دینی و فرهنگی کشور مورد توجه قرار گرفته و برای رهایی از این آسیب یعنی تهی شدن جامعه و بخصوص نسل‌های جدید از باورها و آداب و سلوک زندگی سنتی و گرایش به زندگی با سبک و سیاق غربی تدابیر مهم و جدی اندیشیده شود، اما به طور خاص دیده می‌شود که این آسیب در سنت حسنه اعتکاف به نوعی ظهور و بروز می‌یابد و خودنمایی می‌کند.

دلیل این امر آن است که در بستر اعتکاف توده‌ای از افراد از نسل‌ها و گرایشات گوناگون فکری و شغلی و از بسترهای مختلف فرهنگی و اجتماعی به ناگاه خود را در کنار هم می‌یابند که با هدفی مشترک لااقل سه روز را به عبادت و بندگی خداوند مشغول می‌شوند، اما در عین حال معتکفین سه روز را نیز در کنار هم زندگی می‌کنند و سبک زندگی خصوصی هر فرد و هر طیف و گرایشی به نوعی در فضای عمومی بروز پیدا می‌کند.

در واقع هرچند در چنین محیطی افراد سعی می‌کنند شاخصه‌های کلی محیط عمومی و اقتضائات فضای معنوی مسجد و حضور دیگر مومنان از سنین مختلف را رعایت کنند، اما ناخواسته برخی از رفتارها و عادت‌ها نمود بیرونی پیدا می‌کند و تا حدی سبک زندگی افراد مختلف برای دیگران نمود می‌یابد.

به عنوان مثال شاید به طور طبیعی ممکن نباشد که یک فرد بازاری پا به سن گذاشته بتواند از سبک زندگی خصوصی یک دانشجو و اموری مانند نحوه پوشش و غذا خوردن و خواب و یا نوع گفتگو با دوستان و بستگان او از نزدیک اطلاع بیابد و همچنین ممکن نیست که یک دانشجو بتواند از همین امور در زندگی یک روحانی مطلع گردد، اما همه این‌ها در محیط اعتکاف ظهور و بروز پیدا می‌کند و به همین جهت خطر بروز برخی از آسیب‌ها خودنمایی می‌کند.

به عبارت روشن‌تر در این وضعیت خاص و با توجه به جو غالب حضور جوانان در محیط اعتکاف ممکن است برخی عادات شخصی مانند بدپوششی‌ها و در محیط اعتکاف شکل همگانی به خود بگیرد و به نوعی رفتار نادرست در محیط خانه و یا خوابگاه دانشجویی، در فضای معنوی اعتکاف نیز علنی شود و موجب آسیب‌هایی برای دیگران شود؛ گاهی دیده می‌شود جوانی که عادت دارد در اتاق خود با لباسی بسیار راحت حضور داشته باشد و احیاناً اگر در خوابگاه خود نیز همین نوع پوشش مورد اعتراض کسی قرار نمی‌گیرد، محیط اعتکاف را نیز همین گونه فرض کرده تمایل دارد با همان لباس در برخی ساعات استراحت معتکفین به سر ببرد، غافل از آن که این امر می‌تواند موجب آسیب‌ها و لطماتی برای دیگران گردد و به مرور زمان این رفتارها جنبه عمومی پیدا کند و فضای معنوی و روحانی اعتکاف را دستخوش صحنه‌هایی ناخوشایند نماید.

در خصوص مقابله با این قبیل آسیب‌ها بیشترین مسئولیت متوجه متولیان برگزاری مراسم اعتکاف است که باید تلاش کنند از ابتدا با اندیشیدن تمهیدات مناسب و با ارائه تذکرات و توصیه‌های لازم مانع بروز این قبیل آسیب‌ها گردند و در کنار این وظیفه مهم، تکلیف همیشگی مومنین و متدینین آگاه از سبک و سیاق زندگی مومنان در قالب امر به معروف یا ارشاد جاهل به جای

خود باقی است تا در قالب توصیه‌های محترمانه و تبیین دقیق رویکرد صحیح زندگی اسلامی از این بستر آسیب‌زا، فرصتی استثنائی برای انتقال معارف صحیح دینی و آموزه‌های دقیق سبک زندگی اسلامی را به نسل‌های نو منتقل نمایند.

مجریان اعتکاف و آسیب‌های احتمالی

هرچند اعتکاف عملی فردی بوده و برای انجام آن نیاز به اجتماع افراد متعدد نیست، اما به دلایل گوناگون در این زمان سنت اعتکاف به صورت جمعی و به طور خاص در ایام البیض ماه رجب انجام می‌پذیرد که کثرت مراجعان و علاقه‌مندان و نیاز به فراهم نمودن شرائط و امکانات مناسب در مساجد جامع و ضرورت هماهنگی نهادها و ارگان‌ها را در برگزاری هرچه بهتر این مراسم، سنت حسنه اعتکاف تبدیل به عملی جمعی و نیازمند مجموعه‌های برگزارکننده شده است.

در این میان میزان ورود نهادها و ارگان‌های دولتی معمولاً در حد امور عام مانند هماهنگی‌های لازم و ارائه سیاست‌های کلی و توصیه‌های کلان است، اما مسئولیت اصلی در اداره و برگزاری مراسم اعتکاف بر دوش هیئت‌امنا و متولیان مساجد در سراسر کشور است که همین امر می‌تواند بستر ساز برخی آسیب‌ها باشد، یعنی مهمترین خطری که در این خصوص قابل ذکر است "مد نظر قرار گرفتن اهداف غیر الهی" است، یعنی گاهی دیده می‌شود تلاش مجریان در برگزاری این مراسم نتیجه چشم و هم چشمی‌ها و رقابت با دیگر مساجد و مراکز بوده یا مطالبه موقعیت‌های اجتماعی یا امکانات دولتی و اغراض سیاسی و مانند آن بخشی از اهداف برگزارکنندگان را به خود اختصاص می‌دهد.

بدیهی است که این امور بیش از هر چیز می‌تواند به روح عمل اعتکاف و معنویت و اثر بخشی درونی آن لطمه زده و از برکات آن بکاهد.

به علاوه گاهی برخی سهل‌انگاری‌ها مشاهده می‌شود که در مراحل ثبت نام و پذیرش معتکفان نیز حق تقدم رعایت نشده و برخی افراد به مجرد رفقت‌ها و یا حضور مستمر در این مسجد و ... جایگزین افراد دیگر می‌شوند که این آسیب هم می‌تواند تمامی آثار و برکات اعتکاف را نابود کرده و به علاوه گناه نادیده گرفتن حق الناس را به دنبال داشته باشد.